چه کسی از خبرهای خوب، خبر دارد؟

ادامه یادداشت روز از صفحه ۱

... راست این است که هرچه بیشتر بدانیم از آثار هوای آلوده، نبود شفافیت در گزارش کار مسئولان، قانون‌شکنی، ناهنجاری‌های روبه افزایش، بیکاری و گرسنگی، ما را بی‌پناه‌تر از نسیم می‌کند و حتی اگر خاطرات خوب را مرور کنیم، از اینکه دیگر تکرارشدنی نیست، رنجور می‌شویم.

نتیجه غیرمستقیم۲: بله، اگر نخوانیم و نشنویم که قانون گذاری بزند تو گوش مجری قانون و بگوید بزن به چاک، قانون منم، بدیهی است که حالمان خوب است؛ چون خنثی و بی کنش و واکنش هستیم. برهوت، دشت‌دردشت لم‌یزرع. متاسفانه این بی خیالی و ندانستگی، تلخ‌ترین فرجام کسانی است که رسالتشان در زاد و بود تعالی‌بخشی به هستی بشری است. چنین خنثی و بی‌خاصیت بودن یعنی شیئی بیش نیستیم؛ کبریتی سوخته در سرمای قندیل رخسار.

خبر خوب همچنان تندرستی شماست، نه غیبت پای مرغ و تخم‌مرغ از سر سفره. پس چند خبر خوب بشنوید حالا که خوشبختانه دیگر خبری از محاکمه شاه‌دزدها و رانت‌خوارها نیست. مادران ایرانی همچنان در صدر مادرانی هستند که خواهان فرزندآوری بیشتری هستند و متوسط این خواستن ۳/۱فرزند است. این فرزندخواهی در آمریکا، انگلستان، آلمان و هلند ۲/۴است. در فرانسه و دانمارک ۲/۵و در بلژیک ۲/۶و در ایرلند ۲/۸. ادامه خبر، جالب نیست ولی بد نیست بدانید که مادران ما گرچه فرزند بیشتری می‌خواهند، در عمل بچه‌های کمتری دارند؛ ۱/۷اولاد، درحالی که فرزندآوری مثلا در آمریکا و انگلیس ۲/۴و در فرانسه و دانمارک ۲/۵است.

خبرهای خوب را پی می گیریم؛ وزارت آموزش‌وپرورش ۳۰هزار تن از معلمان حق‌التدریس خود را استخدام رسمی می کند.

بهره‌برداری از ۴۰هزار طرح اشتغال‌زایی ویژه بانوان توسط ستاد اجرایی فرمان امام(ره).

پیدا شدن ۲۵۹کارت ملی، ۱۷گوشی همراه، ۱۸۰کارت بانکی و ۲۶کارت خودرو در یک ماه گذشته در مترو.

پرسش ساده: شما چند خبر خوب شنیده، دیده یا خوانده‌اید؟

کاش کار من روزنامه‌نگاری نبود، آن وقت سر به کوه می گذاشتم تا بی‌خبر از همه‌چیز باشم!

کاش مسئولان دلسوز ما کاری می‌کردند که تعداد خبرهای بد، کمتر از خبرهای خوب باشد!

آخرین خبر: فرمانده انتظامی شهرستان شیروان در خراسان شمالی از دستگیری یک زن سارق کابل‌های مخابراتی با ۱۱فقره سرقت در این شهرستان خبر داد. همین!

Instagram

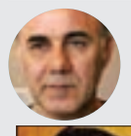

جواد علیزاده

@javadalizadeh53

به یاد علی انصاریان، خالق شوخی‌های شجاعانه

با اندوه بسیار از درگذشت علی انصاریان که طنین خنده‌ها و قهقهه‌هایش و شوخی‌های شجاعانه و ممنوعه و تابوشکنانه‌اش در برنامه‌های زنده تلویزیونی، هرگز از یادها نخواهد رفت. در پست‌های بعدی‌ام، مروری می‌کنیم بر گفت‌وگوی خواندنی‌ای که با او در دفتر مجله طنز وکاریکاتور در مهر۷۹ داشتیم.

نه... جای او با این همه شور و نشاط و انرژی مثبت، در زیر خاک نبود و افسوس از رسم روزگار بی‌رحم و بی‌منطق و لعنت به کرونا و کوتاهی اهمال‌کاران که چنین سرنوشت پوچ و تلخی را برای او رقم زد! تسلیت به خانواده انصاریان و دوستدارانش و یاد او در کنار میناوند، جاودانه باد!

کیوسک

ایندیپندنت

با افزایش آمار جان باختگان و مبتلایان به کووید۱۹ در بریتانیا، این روزها کمتر رسانه‌ای در این کشور وجود دارد که روی جلد خودش را به کرونا و تأثیرات آن اختصاص ندهد. «ایندیپندنت» هم مانند دیگر روزنامه‌های بریتانیا در آخرین شماره خود با انتشار عکسی از کادر درمان و یکی از جان‌باختگان، در تیتر نخست خود نوشته است: «مرگ و زندگی در خط مقدم کووید»

حدیث روز

همانا به یاد مرگ بودن برترین عبادت هاست.

امام‌رضا(ع)

رطوبت هوا ۶۷٪

۲° ↓ ۱۶° ↑

صبح ۷°

ظهر ۱۳°

عصر ۱۱°

شب ۸°

اذان ظهر ۱۱:۴۵

غروب آفتاب ۱۷:۰۵

اذان مغرب ۱۷:۲۴

نیمه شب شرعی ۲۳:۰۲

اذان صبح فردا ۰۴:۵۹

طلوع آفتاب فردا ۶:۲۵

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه

۲۰ ۱۱ ۹۹

۳۲ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه ورزشی

۱۶ صفحه شهرآرا محله

شماره ۳۳۲۰ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی

نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱

دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱

نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰

روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

چاپ: شهر چاپ خراسان

کارتون شهر

خیز بلند خیار برای موز شدن!

علیرضا پاکدل

اقبالِ، «لاهوری» به سروده‌های فارسی

سوژه روز

محمدرضا هاشمی

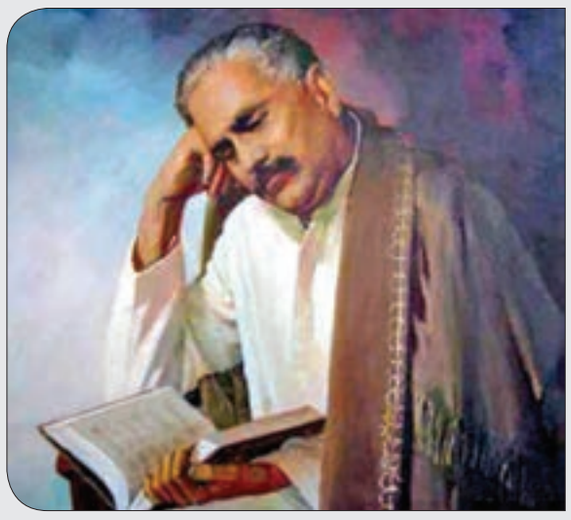

محمداقبال لاهوری یا علامه اقبال، شاعر، فیلسوف، سیاستمدار و متفکر مسلمان پاکستانی بود که علاوه‌بر کتاب‌هایی در حوزه‌های مختلف، اشعار زیادی نیز به زبان‌های فارسی و اردو از او به یادگار مانده است. اقبال در رشته فلسفه دانشگاه لاهور ادامه تحصیل داد و با اتمام دوره فوق لیسانس از دانشگاه پنجاب با رتبه اول، عهده‌دار تدریس در رشته‌های تاریخ، فلسفه و علوم در همان دانشگاه شد.

او پس از مدتی برای تکمیل تحصیلاتش راهی اروپا شد که این سفر علمی، تأثیر زیادی بر افکارش گذاشت. در دانشگاه کمبریج در رشته فلسفه، ادامه تحصیل داد و با بزرگان این رشته در آن روزهای اروپا دیدار کرد. اقبال پس از پایان تحصیلات عالی در دانشگاه کمبریج، راهی دانشگاه مونیخ آلمان شد و پایان‌نامه خود را با عنوان «سیر فلسفه در ایران» ارائه داد و به دریافت درجه دکتری موفق شد. او در همان روزها مدتی به‌جای پروفسور آرنلد در دانشگاه لندن، به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. هرچند اقبال سال‌های زیادی را در کشورهای مختلف اروپایی زندگی کرد و با آرا و افکار متفکران اروپایی آشنایی داشت، هیچ‌گاه تحت‌تأثیر این افکار قرار نگرفت. او را از دنبال کنندگان راهی می‌دانند که با سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز شده بود. اقبال در نویسندگی و شاعری، استعداد بی‌نظیری داشت و آثار منظومش به زبان‌های فارسی و اردو، از او به یادگار مانده است.

این متفکر پاکستانی بر لزوم بازگشت همه مسلمانان جهان به هویت اسلامی، فراوان تاکید می‌کرد. اسرار خودی، رموز بیخودی، پیام شرق، زبور عجم، جاویدنامه، مسافر و چه باید کرد از نمونه آثار منظوم علامه اقبال لاهوری است.

اقبال در ایران هم شهرت زیادی دارد. او هرچند پاکستانی بود و زبان مادری او اردو، بیش از ۷هزار بیت شعر فارسی سروده است. جالب آنکه این شاعر پرآوازه هیچ‌گاه به ایران نیامد و با این حال کارشناسان، اشعار فارسی او را قوی‌تر از اشعار اردویش ارزیابی کرده‌اند.

اقبال، اشعار و گفتار زیادی در مدح حضرت علی(ع) و امام‌حسین(ع) در کارنامه کاری خود دارد. در مشهد، خیابانی به نام این شاعر و اندیشمند پاکستانی نام‌گذاری شده است و در ابتدای این خیابان، بیتی از او به یادگار نوشته شده است:

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم! جان من و جان شما

اقبال لاهوری ۲۱آوریل ۱۹۳۸میلادی، برابر با یکم اردیبهشت ۱۳۱۷خورشیدی، در شصت‌ویک سالگی در پاکستان درگذشت.

خیال های واقعی

«ژول‌ورن» تنها نویسنده‌ای بود که تخیلاتش وارد دنیای واقعی شد

روایت روز

چندنویسنده می‌شناسید که ایده‌هایشان، ایده‌هایی که شاید تخیلی و توهمی محسوب می شدند، به واقعیت پیوسته باشد؟ آن‌هم نویسنده‌ای که چیزی حدود دو قرن پیش زندگی می کرده و کتاب می‌نوشته است. اختراع زیردریایی ها، اتومبیل، هواپیما، صنعت هواوردی و فضاوردی، نیروی برق، ویدئوکنفرانس، پرتاب موشک‌ها، اخبار رادیو و تلویزیون و...، حاصل تخیلات اوست.

نویسنده‌ای که تازه در دهه چهارم زندگی‌اش قدم به دنیای حرفه‌ای نوشتن گذاشته بود و تا قبل از آن هیچ ناشری کتاب‌هایش را قبول نمی کرد تااینکه «پنج هفته در بالون» را نوشت.

«ژول ورن» بعد از موفقیت‌هایی که به‌دست آورده بود، توانست برای خود یک کشتی تفریحی بخرد و آن را به نام پسرش «سن میشل» نام‌گذاری کند. در سال ۱۸۶۷ به‌همراه برادرش «پل» با آن کشتی مجهز رهسپار آمریکا شد و در همین سفر دریایی، شاهکار ارزنده‌خود به نام «۲۰هزار فرسنگ زیر دریا» را نوشت. اولین ایده او ۳۰سال بعد از درگذشتش، رنگ واقعیت گرفت. ژول ورن در کتابی به نام «در سال ۲۸۸۹» که در سال ۱۸۸۹ منتشر شد، برای روزنامه‌ها جایگزینی را معرفی می کند: «روزنامه «Earth Chronicle» هر روز صبح به‌جای اینکه چاپ شود، برای مشترکانش خوانده خواهد شد؛ مشترکانی که می‌توانند اخبار روز را از گفت‌وگو با گزارشگران، سخن‌گوها و دانشمندان به دست آورند.» اولین مخابره خبر، ۳۰سال پس از نوشتن تخیلی ژول ورن به واقعیت پیوست؛ یعنی در سال ۱۹۲۰ و اما اولین مخابره تلویزیونی خبر، ۵۴سال پس از آن امکان‌پذیر شد. میلیون‌ها بیننده در هشتم اوت ۱۹۷۴ (۱۷ مرداد ۱۳۵۳) توانستند خبر استعفای سی‌وهفتمین رئیس جمهور آمریکا (ریچارد نیکسون) را در ماجرای «رسوایی واترگیت» در صفحه تلویزیون مشاهده کنند و چهره معاونش (جرالد فورد) را ببینند که جانشین نیکسون شده بود. یکی دیگر از موضوعات محبوب و مورد علاقه ورن، شوک الکتریکی بود که بعدها از روی آن، شوکر الکتریکی ساخته شد. در داستان «۲۰هزار فرسنگ زیر دریا» وی از سلاحی صحبت می کند که شوک‌های قدرتمند الکتریکی وارد می کند؛ سلاحی شبیه به شوکرهای برقی که در عصر حاضر وجود دارند. او درباره این سلاح نوشته است: «گلوله‌هایی که این سلاح شلیک می کند، گلوله‌هایی عادی نیستند، بلکه مخزن‌های کوچک شیشه‌ای هستند که با لایه‌ای فولادی، پوشانده شده‌اند و وجود یک تکه سرب در آن، این گلوله‌ها را سنگین کرده است. بطری‌های لید واقعی، ابزار قرن هجدهمی که برای ذخیره الکتریسیته ساکن استفاده می‌شد، هستند که انرژی الکتریکی با قدرت زیاد به آن‌ها وارد شده است و می‌تواند بزرگ‌ترین حیوانات را از پا دربیاورد.»

ژول ورن نزدیک به ۸۰داستان بلند و کوتاه، رساله و مقاله پژوهشی نوشت که تا زمان مرگش ۱۹۰۵میلادی (۱۲۸۴خورشیدی) بیش از ۵۰جلد از رمان‌های او منتشر شد. او در ۲۴مارس ۱۹۰۵در پی بیماری دیابت در هفتادوهفت‌سالگی درگذشت.

شما بدهکارید آقای مدیر!

نگاه هشتم

غلامرضا بنی اسدی

شما بدهکارید آقای مدیر، آقای رئیس، آقای مسئول! شما بدهکارید. به اندازه ثانیه‌به‌ثانیه زمان مسئولیت‌تان بدهکارید، حتی اگر هیچ سازمان و نهادی دست بر یقه شما محکم نکند. بدهکارید به اندازه کارهایی که باید انجام می‌دادید و کوتاهی کردید. به اندازه کارهایی که باید درست و دقیق به انجام می‌رساندید اما بی‌مطالعه و باری‌به‌هرجهت و با ضریب خطای بالا محقق کردید. بدهکارتر از شما اما کسانی هستند که برای فرار از اتهام احتمالی خطا، دیکته نمی‌نویسند که کسی غلط احتمالی‌شان را نگیرد. به روزمرگی برگزار می کنند تا ایام بگذرد. سر کار حاضر می شوند. حقوق می گیرند اما نتیجه‌ای که باید برای جامعه ندارند. -انگار- با خود می گویند حالا کارها چنان که باید انجام نشد، خب نشود. کسی که یقه ما را نمی گیرد. شیوه «کج‌دارومریز» را از فهرست ضرب‌المثل‌ها خارج کرده، جان بخشیده و به رفتار درآورده‌اند. رندبازی هم می‌شمارند این کار را. دستمال‌ها را تا کرده، در طاقچه می گذارند و می‌دانند که سرشان به درد نخواهد آمد که به آن نیاز داشته باشند. این شیوه مدیریت کردن، انقلابی نیست، بماند که حرفه‌ای هم نیست. اگر قرار بود انسان از اول به این شیوه حرکت کند، هنوز در غار زندگی می کرد و به‌دنبال سنگ چخماق برای روشن کردن آتش بود. مدیریت انقلابی و حتی حرفه‌ای، حرکت دارد، تلاش دارد، جهت دارد و صدالبته ریسک هم دارد. کسی که مسئولیت می‌پذیرد، باید علاوه‌بر دانش، این چهارگانه را هم در رفتار خویش نشان دهد تا به موفقیت برسد، والا بدهکار ملک و ملت خواهد ماند، حتی اگر هیچ کس به طلبکاری دست در یقه‌اش، مشت نکند. فردا که یوم‌الحساب نام نهاده‌اند، چنان یقه‌اش را خواهند گرفت که آه از نهادش برآید و آتش گیر جهنم شود.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

بهتر نیست تا جایی که امکان دارد به جای فعل‌های مرکب از فعل‌های ساده فارسی استفاده کنیم؟

یعنی به‌جای:

از همه همکاران تقاضا داریم در روز سه‌شنبه در این جلسه حضور به هم رسانند. ✗

بنویسیم:

از همه همکاران تقاضا می کنیم روز سه‌شنبه در این جلسه حضور یابند (حاضر شوند). ✓

#زین_قند_پارسی

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید